

جوانان کمونیست ۸۲

نشریه سازمان جوانان کمونیست

۱ فروردین ۸۲
۲۱ مارس ۲۰۰۳

www.jawanan.org

سردبیر: مصطفی صابر

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان
است.
منصور حکمت



جنگ آمریکا علیه عراق فاجعه انسانی!

فاجعه انسانی عظیمی در شرف وقوع است. ششول بندهای هیئت حاکمه آمریکا و متحدینش نفس را در سینه جهان حبس کرده اند. یک جامعه و میلیونها ساکنین اش، از پیر و جوان و زن و کودک، قرار است در ابعاد چند صد هزار در آتش موشکهای کروز و بمبهای مهیب نابود شوند. مردم محنت زده ای که ۱۲ سال تحریم اقتصادی و گروگان گیری غذا و داروی آنها هزاران هزار قربانی از آنها گرفته است در آستانه یک کشتار جمعی قرار میگیرند. عراق صحنه این کشتار جمعی عظیم، این جنایت قرن بیست و یکمی است. اما عراق فقط صحنه و مجرای کشمکش وسیعتر و تاریخی تر برای شکل دادن به یک "نظم نوین جهانی" به رهبری آمریکاست. انهدام تمام عیار یک جامعه، کشتار صدها هزار مردم بیگناه، آوارگی و مشقت و گرسنگی، بهائی است که مردم عراق توسط بوش و بلر به پرداخت آن محکوم شده اند.

میگویند این جنگ برای "خلع سلاح" و "مقابله با سلاحهای کشتار جمعی" است. این یک دروغ بزرگ و تبلیغات ریاکارانه است. چنین ادعائی از جانب دولتی که مردم هیروشیما و ناگازاکی را با بمب اتمی در چند لحظه به خاکستر تبدیل کرده و همین امروز پیشرفته ترین تکنولوژیهای کشتار جمعی و "مادر همه بمبها" را آماده حمله به مردم عراق کرده است، پوچ است. هدف این جنگ مقابله با تروریسم نیز نیست. آمریکا خود "مادر همه تروریستها" است. اینها تبلیغات جنگی محض است. هدف تحکیم موقعیت آمریکا در دنیای بعد از جنگ سرد و شکل دادن به یک "نظم نوین جهانی" به سرکردگی آمریکا است. قرار است روی دوش کشتار عظیم مردم عراق و نابودی مدنیت در آن

جامعه، مکان رهبری آمریکا با اتکا به قدرت نظامی اش تثبیت شود. عملیات "شوک و بهت" امروز آمریکا ادامه عملیات "طوفان صحرا" در سال ۱۹۹۱ است. هدف نیز همان است. تر "جنگ پیشگیرانه"، یعنی حمله نظامی آمریکا به هر گوشه جهان، محتوای این نظم نوین را برملا میکند. از نظر آمریکا سازمان ملل، ناتو و شورای امنیت نهادهای مربوط به آرایش سیاسی و اقتصادی و بلرجه ای نظامی دوره جهان دو قطبی هستند. اینها امروز بی مصرف شده اند. یا باید منحل شوند و یا باید بر مبنای استراتژی جدید آمریکا بازتعریف شوند. فرانسه و آلمان و روسیه و چین و کل بلوکی که شورای امنیت سازمان ملل را مجرای حل و فصل اختلافات و حتی مشروعیت حمله نظامی میدانند، در حقیقت دارند بر سر مکان خویش در آینده جهان چند قطبی با آمریکا چانه میزنند.

این جنگ باید با سد هرچه عظیم تر مردم آزادیخواه مواجه شود. بدلیل توحش و آدمکشی آشکار، بدلیل عقبگرد سیاسی، فرهنگی و اخلاقی آن، بدلیل پیامدهای ارتجاعی و کثیف آن در عراق و خاور میانه و کل جهان، باید با آن مقابله شود. باید به خیابانها آمد و با صدای بلند اعلام کرد که جهان به ژاندارم خود گمارده نیاز ندارد. بشریت متسلن فی الحال سنگریندی عظیمی علیه این توحش شکل داده است. صف چندده میلیون نفره انسانهای نوعولست و آزادیخواه، صف وسیعی از سازمانهای کارگری، در سراسر دنیا به خیابان آمده است تا به این آدمکشی و قلداری آشکار نه بگویند. این نیرو قادر است میلیتاریسم و توحش افسارگسیخته بوش و بلر را لگام بزند و تعرض سرمایه را در خود اروپا و آمریکا علیه بشریت کارگر و زحمتکش، علیه تعرض به حقوق مدنی شناخته شده مردم مهار کند و به عقب براند. غول خفته ای که بیدار شده است میتواند ورق را تماما برگرداند. علیرغم همه تاریکی و وحشتی که در برابر ما مردم گرفته اند، قرن بیست و یک میتواند قرن بربریت کاپیتالیستی نباشد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ مارس ۲۰۰۳، ۲۸ اسفند ۱۳۸۱

تبریک سال نو

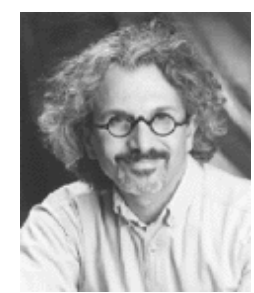
دوستان زیادی فرا رسیدن سال نو، سال ۸۲ را تبریک گفته اند، که بار دیگر تشکر میکنیم و سالی پر از شادکامی برایشان آرزو میکنیم. از جمله دوست عزیزمان سیما امیدوار از تهران نوشته اند: از شروع جنگ علیه عراق متأسفم و آرزو میکنم هرچه سریعتر و کم خسارت تر تمام شود. آمریکا با اعتنا نکردن به



نامه های شما
صفحه ۲
لینک
صفحه ۶

ها، جوانان، غربردگی!
پاسخ به یک دوست مجاهد
صفحه ۳

جنگ آمریکا و سلطنت طلبان گفتگو با علی جوادی



جوانان کمونیست: نیروهای موسوم به سلطنت طلب (و کلا طرفداران رژیم سابق) نمی توانند شادمانی شان را از آغاز جنگ آمریکا در خاورمیانه پنهان کنند. آنها دفاع شان از این جنایت مسلم را که بشریت آزادیخواه جهان علیه آن اعتراض میکند، چگونه توضیح میدهد؟
علی جوادی: با همان توجیهاتی که دستگاه تبلیغاتی هیات حاکمه آمریکا این جنگ بر علیه مردم عراق را توجیه



و بی ربطی عظیمش به جامعه و مردم ایران اعلام گردید. از اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ۲۸ اسفند ۸۱ سازمان جوانان کمونیست گزارشات متعددی از جریان مبارزه جوانان با جمهوری اسلامی در جریان جشن چهارشنبه سوری در تهران و شهرهای مختلف انتشار داد. از جمله اطلاعیه خبری شماره ۳ چنین آمده است:
جشن جوانان و مردم رژیم رازین گیر کرد

شادی مردم عزای اسلام!

"جشن و پایکوبی و آتش افروزی چهارشنبه سوری امسال یک بار دیگر به شکل آشکاری حکم رفتن جمهوری نکبت اسلامی را اعلام کرد. مشهد، تهران، تبریز، ارومیه، ساری، مهاباد، بوکان، سنندج، کرمانشاه، قزوین، سقز، کامیاران، مراغه و بسیاری دیگر از شهرها و روستاها صحنه همزمان جشن و اعتراض و در مواردی تظاهرات بر علیه حکومت بود. جوانان از دختر و پسر قوانین و محدودیتها و عزای حکومت اسلامی را به ریشخند گرفتند و در وسط خیابانها و کوچه ها در گروههایی صد ها نفره و حتی هزاران نفر جشن گرفتند و پیش چشم مأموران حکومت دختر و پسر دست در دست هم پایکوبی کردند. اما شادی و رقص و پایکوبی مختص جوانان نبود. پدران و مادران نیز در آتش بازی ها و جشنها شرکتی فعال داشتند. با قطعیت میتوان گفت شب چهار شنبه سوری امسال حکومت اسلامی عملاً نفی شد



جنگ حاضر و مردم ایران

جنگی که آغاز شده، جنگی سرنوشت ساز در سیاست جهانی است. قرار است هزاران و هزاران کشته شوند، میلیونها از زندگی ساقط شوند تا مسائل بنیادی در بربریت سرمایه داری حاکم بر جهان حل و فصل شود. این جنگی است بر سر تناوم و یا (به احتمال بیشتر) شکست قطعی "نظم نوین جهانی" (همان پروژه حفظ موقعیت شکننده آمریکا در اوضاع پس

آزادی، برابری حکومت کارگری!

شادی مردم عزای اسلام!

نامه های شما

با سازمان کمونیست تماس بگیرید. نظرات و پیشنهاداتتان را برایمان بنویسید. هیچ نامهای بی جواب نخواهد ماند. برای ارتباط با من میتوانید از آدرسهای پستی و شمارتلفنهایی که در این نشریه آمده است و یا از آدرس مایل bahram-modarresi@web.de استفاده کنید.

بهرام مدرسی

دوستان زیادی لطف کردند و با پیامها و تمسایهانشان سال نو را به ما تبریک گفتند. من هم از این فرصت استفاده کرده و از طرف تمام اعضای سازمان جوانان کمونیست، از طرف تمام دوستان این سازمان از تهران تا مشهد، از تبریز تا شیراز، از آلمان تا انگلیس، از سوئد تا دانمارک و کانادا و از قزوين تا آمل و ترکیه، از سراسر جهان، سال

وقتی نشان داد که در تمام محلات جوانان با روشن کردن آتش و ترقه به پیشواز این روز رفتند. در هر خیابان کوچکی این جوانان، دختران و پسران بودند که دست در دست هم جشن چهارشنبهسوری را می‌گرفتند و با بی‌اعتنایی به ماموران رژیم قوانینشان اسلام را زیر پا می‌گذاشتند. تدارک وسیع رژیم کارساز نبود. آنها سر هر کوچکی دوتن از مامورین خود را مستقر کرده بودند تا با کمک کلاهکچها، ماموران انثار و لباس‌شخصی‌ها به‌صطلاح از جشن مردم جلویگیری کنند.

محلله کسری و بلوار سجاد مرکز تجمع جوانان بود. نیروهای رژیم خیابانهای اطراف این محلات را مسدود کردند و به ضربو شتم جوانان پرداختند. اینجا دیگر جشنی در کار نبود این تظاهرات وسیع جوانان علیه رژیم بود که دیده میشد. دستهای عزاداری رژیم وسیعاً مورد تسمخر جوانان قرار میگرفت. بعد از مدتی جنگ و گریز خیابانی جوانان با نیروهای رژیم تمام محلله را در بر گرفت. شرکت وسیع دختران در این جنگ و گریزهای خیابانی چشمگیر بود.

نیروهای رژیم فلج شده جدی گرفته نمیشدند. تسمخر نیروهای رژیم و جنگ و گریز با آنها بخشی از جشن سال نو بود.

تعدادی در دستگیر کردند که بلافاصله از ترس رشد بیشتر اعتراض جوانان مجبور به آزادی آنها شدند.

قزوين

شب چهارشنبهسوری با شکوه هرچه بشتی برگزار شد. در تما محلات مردم به روشن کردن آتش و پرتاب ترقه و فشفشه پرداختند. شلوغ‌ترین محل خیابان خیام بود که در آن بیشتر از ۳۰۰۰۰ نفر با هم به جشن و پایکوبی مشغول بودند. جوانان تمامی خیابان را بند آورده بودند و به رقص و پایکوبی می‌پرداختند. تلاش ماموران رژیم برای پراکنده ساختن جوانان بی‌فایده بود. هریار که جوانی دستگیر میشد، صدها جوان دیگر با فریاد "ولش کنید" به ماموران رژیم حملهور میشدند و دقایقی بعد دستگیر شدگان در جمع دوستانشان به رقص و پایکوبی ادامه میدادند.

مشهد

درستراسر خیابانهای شهر مردم با حضور وسیعشان این روز را جشن گرفتند. در خیابانهای سجاد، احمدآباد و تقی‌آباد حضور جوانان بخصوص چشمگیر بود. نیروهای رژیم بارها به جوانان حمله ور شدند و با جوانان درگیر شدند. تعدادی از جوانان متور سوار به زدوخورد خیابانی با ماموران رژیم پرداختند. تعداد زیادی از جوانان دستگیر شدند.

رژیم اسلامی این نماینده قوانین ارتجاعی اسلام و دشمن انسانیت و شادی بشریت باید گوش را گم کند. با همین جشنه جوانان و مردم این حکم را یکبار دیگر اعلام کردند.

آینده از آن ماست.

سازمان جوانان کمونیست

۲۷ اسفند ۱۳۸۱ - ۱۸ مارس ۲۰۰۳

نو را به همه شما تبریک گفته و برایتان آرزوی سالی بپور از نکبت جمهوری اسلامی، سالی آزاد و برابر را می‌کنم.

دوست عزیز مزدک از تبریز، نامعات به دستمان رسید. رفیقی که میخواستی با تو تماس خواهد گرفت. بازهم برابیان بنویس.

دوست عزیز م ک، نامعات درباره سپاه به دستمان رسید. ممنون و بازهم سعی که اطلاعات بیشتری را برایمان بفرستی. نامه جداگانه‌ای برایت ارسال شد.

کیوان عزیز از تهران، نامعات به دستمان رسید. پیوستن هرکسی به سازمان جوانان کمونیست ارزشمندترین چیزها است. در جهانی که دروغ و فریب و ارتجاع همه جایش را گرفته پیوستن به سازمان جوانان کمونیست یعنی دست در دست جوانانی که جهانی بدور از این ارتجاع و دروغ را می‌خواهند، گذاشتن به سازمان جوانان کمونیست خوش آمدی. نامه جداگانه‌ای برایت ارسال شد.

هنگامعزیزان تهران نامعاتی

متعددت به دستمان رسید. ممنون از زحمات. نامهای جداگانه برایت ارسال شد.

دوست عزیز حامد راد از تهران، گزارش بسیار زیباییات از جشن چهارشنبه سوری در تهران را دریافت کردیم. این نمونه‌ای از یک گزارش خوب و عالی است. حتما سعی کن که بیشتر برایمان از این نوع گزارشات بفرستی. ممنون از کارتهای تبریکت سال نو را به تو و همه خانواده و دوستان تبریک می‌گویم.

دوست عزیز نرسی یگانه از کرمانشاه، گزارشات در مورد چهارشنبه سوری به دستمان رسید. نامعنایات مثل همیشه همه مان را خوشحال میکنند. حتما بیشتر برایمان بنویس.

دوست عزیز علی‌رضا عطا از سوئد، مقالاتتان به دستمان رسید. با تشکر بازهم برایمان بنویسید.

دوست عزیز هادی موسوی از ترکیه متنی را که در رابطه با ۸ مارس بود، دریافت کردیم. ممنون از توجهت. بازهم برایمان بنویس.



بهرام مدرسی

دوست عزیز امیر تهرانی از پاکستان، نامعات به دستمان رسید. حتما ما را در جریان کارهایتان قرار دهید.

دوست عزیز فرزاد امیری از ترکیه پیام شما به مصطفی صابر دریافت شد. از لطف شما ممنون. در مورد سایت سازمان جوانان نیز ما در صدد تغییرات و بهبود آن هستیم.

برگی هستند که مصرف خواهند شد. **جوانان کمونیست:** حرف سلطنت طلبان (رژیم سابق) ها) رو به مردم ایران چیست؟ آنها مردم را به چه چیز دعوت میکنند؟ به نظر شما شر فراخوان آنها چه خواهد بود؟

علی جوادی: بخشهای صریح الهیجه این جریانات سیاست پس از عراق نوبت ایران است" را سرلوحه فعالیت خودشان قرار دادند. بخشهای "فهم ترشان" خولانه چنین سیاستی را دنبال میکنند. تاثیرات و نتایج چنین سیاستی روشن است. قیچی کردن اعتراضات اجتماعی. خانه نشین کردن مردم. حاشیه‌ای شدن اراده و قدرت مردم برای انجام تغییر و تحولات اجتماعی در سرنگونی رژیم اسلامی. و نهایتاً در صورت با گیری چنین سیاستی وقت خریدن شدن برای رژیم اوباش اسلامی. **جوانان کمونیست:** ذکر میکنید چنین وضعیتی چقدر ممکن است حادث شود؟ عوامل و نیروهای له و علیه آن چیست؟ چگونه باید جلوی متحقق شدن آنرا گرفت؟

علی جوادی: بنظر مردم اسیر چنین سیاستی نخواهند شد. هر چند که تمام ماشین تبلیغاتی جریانات راست و سلطنت طلب در این جهت به کار خواهد افتاد. هر چند که برای مدتی، بخشهایی از جامعه بیندارند که راه خلاصی از شر نکبت جمهوری اسلامی در کنترل ماشین نظامی آمریکاست. اما چنین سیاستی بسرعت نتایج خود را بصورت ممانعی در مقابل رشد و گسترش جنبش سرنگونی بروز خواهد داد. آمریکا چنین سیاستی ندارد. قادر به تکرار چنین نقشه هولناکی در ایران نیست. از طرف دیگر باید به دو فاکتور اشاره کرد. وجود حزب کمونیست کارگری و جنبش ضد جنگ در سطح جهان. جوان معترض در ایران همانطور که ابدلهای خود را از جهان متمن امروز میکیرد به همان درجه نیز از این جنبش مردم آزادخواه و متمدن تاثیر خواهد پذیرفت. حزب کمونیست کارگری چنین تحولی را تضمین خواهد کرد. مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی به زیر پرچم آزادخواهی و برابری طلبی حزب کمونیست کارگری گرد می‌آیند.

بیسابقهای یافته است. آمریکا تاکنون قادر نشده است هژمونی بلامنازع خود را بر جهان سرمایه داری اعمال و تحمیل کند. بنظر بهتر است که از هم اکنون باید به فکر این باشند که چگونه با شکستهای سیاسی ناشی از این اقدامات کنار بیایند. ارزیابی این جریانات از موقیعت روحی و فکری و سیاسی مردم اشتباه بود. مردم به چه چرخیدند. معترض تر از آند که اینها تصور میکنند. آزادخواه تر از آند که در نقشه عمل اینها می‌کنند.

بر سر متحدین و مدافعین ایرانی این جنگ طلبی چه خواهد آمد؟ آتش و ایزوله تر خواهند شد. نیرویی که در مقابل چشمان مردم مهر تایید بر سیاستهای تروریستی هیات حاکمه آمریکا می‌گذارد تنها رو در رویی و خصومت خود را با انسانیت به نمایش می‌گذارد. این جریانات سرنوشت سیاسی خود را به موشکهای کروز و تامهاک و بمب افکنهای ب - ۵۲ گره زده‌اند. ما، کمونیسم کارگری، تضمین خواهیم کرد که جنبش سرنگونی طلبانه مردم متاثر و آلوده به سیاستهای این جریانات نشود.

جوانان کمونیست: چقدر وضع سلطنت طلبان شبیه اپوزیسیون کرد ناسیونالیست عراق است که دیدیم دانما نوکری آمریکا را میکنند و ظاهراً دانما هم آمریکا به آنها "خیانت" میکند؟ آیا واقعا اینقدر که اینها حساب کرده اند، جایی در سیاست آمریکا دارند؟

علی جوادی: قیاس جالبی است. ناسیونالیسم کرد پرونده قطوری در این تیره بختی دارد. ظاهراً گذشته چراغ راه آینده ناسیونالیستها نیست! سرنوشت سلطنت طلبان ایرانی بنظر بسیار شبیه سرنوشت ظاهر شاه در افغانستان و بازماندگان پادشاه سابق عراق است. به جایی نرسیدند. اینها فقط میتوانند مهره و عاملی در استراتژی غرب برای شکل دادن به یک حکومت پرو غریب در فدای پس از جمهوری اسلامی باشد. غرب اینقدر کودن نیست که فکر کند میتواند سیستم سلطنت در ایران اعاده کند. اینها در سیاست آمریکا نقش بازی میکنند، اما هدف سیاست و استراتژی آمریکا نیستند.

این جماعت تنها با له کردن مردم میتواند به کاخ آرزوهایش نزدیک شود. آنچه غائب است همدردی با مردم بیگناهی است که تلفات انسانی این جنگ ضد انسانی هستند. عنصر دیگری که این جریانات به آن متوسل میشوند، سیاست فاشیستی ضد عرب است که در تبلیغاتشان برجسته است. مقدار کمی خراش کافی است تا پوسته و ظاهر مردم دوستی عوامفریبانه این جریانات به کناری زده شود و جوهر سیاستهای ضد انسانی‌شان روشن شود.

جنگ علیه مردم عراق برای این جریانات فاجعه نیست. "برکت" است. خمینی هم جنگ ایران و عراق را "برکتی الهی" و "مانندای آسمانی" میدانست. سبک مغزانه بر این باورند که یک پله به اهدافشان نزدیکتر شده‌اند.

جوانان کمونیست: بوش خود را در یک موقیعت برگشت ناپذیر قرار داده و دارد یک قمار سیاه و دهشتناک بازی میکند، اما اگر تلاشهای بوش برای تحکیم نظم خونین جهانی اش در مقابل اعتراض وسیع و گسترده مردم جهان و اختلاف درونی بورژوازی غرب (که شکافها ظاهراً عمیقتر میشود) به شکست بینجامد، بر سر وارداران و توجیه کنندگان و مدافعین جنگ فعلی و از جمله سلطنت طلبان چه خواهد رفت؟

علی جوادی: هیات حاکمه آمریکا به رهبری بوش از هم اکنون، حتی قبل از شروع جنگ، در جنگ بر سر افکار عمومی بمنظور مرعوب کردن مردم شکست خورده است. تظاهرات ۳۰ میلیون مردم آزادخواه و معترض در ۶۰۰ شهر در ۱۵ فوریه بیان آشکار زودرس این شکست بود. ابعاد این جنبش ضد جنگ تاکنون در تاریخ بشری سابقه نداشته است. این تظاهراتها گسترش خواهد یافت. اما سرنوشت نظامی جنگ علیه عراق هر چه باشد، مردم جهان این قلدری و زورگویی آشکار را نپذیرفتند. مرعوب این نمایش آدمکشکی ماشین میلیتاریسم آمریکا نشده‌اند. از طرف دیگر تضاد در کشمکش میان بلوکهای سرمایهداری در جهان، تضاد کشورهای کلیدی اروپایی و روسیه و چین با آمریکا نیز گسترش

از صفحه ۸

جنگ آمریکا و سلطنت طلبان

گنگو با علی جوادی

میکند. جلویگیری از دستیابی به "سلاحهای کشتار دسته جمعی"، "مقابله با تروریسم"، "حقوق بشر برای عراق". بهانه‌ها و توجیهاتشان تماماً یکی هستند. نگارنیاها و مشغلههای فکیشان تماماً با مشغلههای استراتژیستهای پنتاگون و ماشین نظامی آمریکا یکی است. تفاوت تنها در این است که به فارسی این تبلیغات را بیان میکنند و می‌نویسند. اما فاقد "بختگی" مبلغین دستگاه تبلیغاتی آمریکا و متحدینش هستند.

انتظار دیگری هم نمیشد داشت. این جریانات میخواهند ما به آزاء ایرانی بوش و بلر باشند. از همان جنس‌اند. همان سیاستها و همان اهداف را در محدوده جغرافیایی دیگری دنبال میکنند. این جریانات هیچگاه در کنار مردم آزادخواه قرار نداشتند که نگران توضیحی به بشریت معترض و آزادخواه باشند. جنگ طلبی چهره ضد انسانی سیاستهای این جریانات را بیشتر بر ملا خواهد کرد.

جوانان کمونیست: وجه انسانی موضوع را چطور توجیه میکنند؟ اینکه اینهمه آدم قرار است کشته بشود، اینهمه مادران و پدرانی که شاهد مرگ عزیزانشان خواهند بود؟ فاجعه ای که میتواند تمام منطقه را با یک مصیبت مدهش روبرو کند؟

علی جوادی: چند ساعت قبل (از زمان این مصاحبه) در یک مناظره تلویزیونی درست در زمان شروع جنگ با دبیر کل حزب مشروطه ایران در تلویزیون کانال ۱ بودم. باورش سخت است ایشان کشتار مردم عراق را، کشته شدن کودکانی که تا دیروز مدرسه میرفتند و امروز باید زندگی شان را در کولهای جا دهند و سرپناهی برای فرار از بمباران پیدا کنند، احساسات رقیقه و شاعر مسلکانه قلمداد میکرد! درد و رنج مردم بهایی است که باید پرداخت شود تا این جریانات به سیاستهای مطلوبشان نزدیک شوند.

ما، جوانان، "غریزگی"

پاسخ به نامه دوم دوست هوادار مجاهد

مصطفی صابر

هفته گذشته سولات و انتقادات دوست ارجمندی (که خود را "جوان بیست ساله هوادار مجاهدین خلق" معرفی کرده بودند) را به چاپ رسانیدیم و من نکاتی را در پاسخ یادآور شدم. این هفته دو نامه از ایشان دریافت کردیم. نامه دوم که میکوشیم آنرا در شماره بعد پیاوریم راجع به مجاهدین خلق و برخورد ما با این جریان است، اما نامه اول ایشان هم نکات جالبی دارد و سولاتی مهم و قابل بحث:

"با سلام. از چاپ نامه من در نشریه جوانان و پاسخ مشروح و مستولانه شما بسیار ممنون.

به باور من یکی از دلایل اصلی رشد و گسترش سریع نفوذ حزب شما همین اهمیت دادن به نظر جوانان و برقرار کردن ارتباط دوستانه با آنها میباشد. این ارتباط باعث میشود که جوانان حزب را از خود بدانند و در ترویج اصول و برنامه آن کوشا باشند.

اما توضیح من در دو بخش میباید که قسمت دوم آن به نظر من باید در نشریه شما چاپ شود، چون اصول اخلاق چنین حکم میکند. اما بخش اول:

۱. با توضیحات شما من قانع شدم که مارکس اساسا ضد مذهب بوده است و آن را به عنوان عقیده هم رد میکند. اما لازم است بگویم که من برداشت خودم را از مطالعه جنبش های قرون وسطی بدست نیابوده بودم، بلکه خودم با خواندن آثار مارکس به آن رسیده بودم. در ضمن در همین رابطه آقای دکتر محیط مقاله ای تحت عنوان "آیا مارکس ضد مذهب بود؟" را منتشر کرده بودند که در آن همین تحلیل من آورده شده بود. به هر حال من به مارکس در هر صورت به عنوان یک مبارز عمیقا انسان دوست و عدالت طلب احترام میگزارم. مارکس برای همیشه در قلب من جای دارد.

۲. در مورد اعتقاداتان به امپریالیسم و مبارزه با آن باید بگویم من شخصا بسیار خوشحال شدم که یکی از قویترین احزاب اپوزیسیون میهمان در این وانفسای لیکن تازی لیبرالیسم همچنان بر اصول لیکن وفادار است. اما باید بگویم که این مساله متأسفانه در نشریات شما انعکاس مناسبی ندارد. البته مثلا موضع ضد جنگ شما کاملا ضد امپریالیست است اما من فکر میکنم که شما در نشریه خود با کلمه غرب به شکل کاملا دوگانه برخورد میکنید. مثلا من یک جا در مقاله ای از آقای بهرامی خواندم که ایشان یکی از مهمترین عوامل شکست انقلاب ۵۷ را در توطئه غرب برای تحمیل رهبری خمینی و آخوندها دانسته بودند و بطور مشخص ارتباط (غرب لشکر ملیان را از گور بیرون کشید و به جان مردم انداخت) را بکار برده بودند. اما بارها و بارها در نشریات شما خوانده ام که گفته اید که از غریزگی جوانان ایران حمایت میکنند و مثلا نسل جوان ما امروز خیلی غریزه است و این خیلی خوب است. شما این دوگانگی را چطور توجیه میکنید؟ آیا بهتر نیست برای رهایی از این مسئله تمدن غرب و امپریالیسم غرب را از هم جدا کرد و بکار برد؟

۳. من هم مثل شما بر این باورم که امپریالیسم یک مرحله مشخص از روند تکاملی کاپیتالیسم است و بر خلاف درک

اجازه بدهید این تکه را فعلا اینجا تمام کنیم و به مساله امپریالیسم و غرب و غریزگی بپردازم.

بین تمدن غرب با دول غربی و بورژوازی غرب و یا امپریالیسم غرب البته باید تمایز قائل شد. تمدن غربی یک تمدن درخشان تاریخ معاصر بشر است که گرچه با گسترش سرمایه داری و ظهور بورژوازی انقلابی آغاز میشود، اما اتفاقا در دست جنبش سوسیالیستی - انتقادی پرولتاریا و نزد کسانی چون مارکس به اوج اعتلاء خود میرسد. وارث تاریخی افکار آزادیخواهانه قرن هژده، پرولتاریا و آزادیخواهی سوسیالیست است. حتی مواردی که خود بورژوازی پیش کشید، مثل حق رای، بدون جانفشانیهایی کارگران (که حتی قبل از مارکس شروع شده بود) و زنان به حتی برای مردان ثروتمند محدود می ماندند در فرهنگ غرب نیز جنال دو عنصر اصلی جامعه مدرن را میتوانیم ببینیم. عنصر کارگر، سوسیالیسم و آزادیخواهی و رهایی طلبی او و عنصر سرمایه دار، رقابت آزاد بر سر بردگی انسانها و تمایل به ارتجاع و استبداد را. فرهنگ غرب و بوشا یواش دارد جایش را به یک فرهنگ جهانی میدهد، یا به یک فرهنگ جهانی تبدیل میشود. دعوی کارگر و سرمایه دار، بیش از هر وقت دیگر دعوی جهانی شده است و این دارد فرهنگ بشر این دوره را شکل میدهد. در یکسو آزادیخواهی کارگری و سوسیالیستی سر بر می آورد که ما خودمان را متعلق به این جبهه میدانیم و در سوی دیگر سرمایه داری و تمام عناصر ارتجاعی از مذهب و زن ستیزی گرفته تا فاشیسم و نژاد پرستی و ملت پرستی دارد دست به مقاومت میزند. امر آزادیخواهی و رهایی بشر یکسره به امر نابودی سرمایه گرده خورده است و تنها از عهد آن نیروهای اجتماعی برمی آید که هیچ تعلقی به حفظ بردگی مزدی، حفظ مذهب و ارتجاع مذهبی، حفظ راسیسم و ناسیونالیسم و کهنه پرستی در هیچ شکل و تحت هیچ پوششی ندارند.

با این توضیحات میخواهم بگویم تئوری های ناسیونالیستی و جهانسومی در مورد امپریالیسم بهیچ وجه پاسخگوری جهان پیچیده ما نیست. بهیچ وجه مترقی نیست. این تئوریهایی هیچ ربطی به تبیین لنین از سرمایه داری عصر خودشان ندارند. تازه در همانوقت هم لنین میگفت امپریالیسم عصر انقلاب پرولتری است. لنین جلال عظیمی را علیه بقل خودش "سوسیالی شوینسم" کارگران را دعوت به حمایت از بورژوازی خودی دعوت میکرد، آغاز کرد. حالا کسانی پیدا شده اند که با توسل به امپریالیسم و مسخ کردن تئوریهایی لنین مردم را دعوت میکنند که از بورژواهای خودی که حتی بیش از دوره لنین غرق در ارتجاع مذهبی و ملی هستند، دفاع کنند! این تئوریهایی انعکاس مقاومت های افشار و نیروهای اجتماعی هست که با تحولات جهانی موقعیت خود را در خطر می بینند، چیزی برای شریعت ندارند و علیه تمایلات ساده انسانی برای آزاد و مرفه زیستن هستند. نگاهشان به گذشته است.

بعنوان یک مثال، در همین "غریزگی" دقت کنید. تاکید کنم که "غریزگی" اصطلاح ما نیست. اصطلاح محبوب آل احمد و جنبشی است که آل احمد نمایندگی میکند. (جنبش ملی - اسلامی، جنبش اپوزیسیون سنتی ایران، جنبش بورژوازی اپوزیسیون شاه، که از چریک فدایی خلق تا مجاهدین خلق، از جبهه ملی تا حزب توده، از امثال دکتر شریعتی تا روشنفکران چپ را، در سایه روشنهای متفاوت در بر میگردد) "غریزگی" دارد با طعنه گرایش به غرب را مورد انتقاد قرار میدهد. محتوای واقعی این نگرش تقدیس فرهنگ و تمدن خودی (گاه حتی تا حد افراطی مدح و شای

فرهنگ خزینه و آفتابه)، ضدیت با مدرنیسم، توجیه زن ستیزی، حفظ سنت، مخالفت با آزادی های فردی و مدنی (تحت عنوان هرج مرج و فساد!)، و تقدیس عقب ماندگی شرقی و ناسیونالیسم جهان سوم است. این اعتراض بورژوازی و خرده بورژوازی خارج از قدرت ایران به بورژوازی در قدرت و متحد غرب (رژیم سابق) بود. خواهان سهمی در قدرت، خواهان درجه ای جدی گرفته شدن و معترض به دیکتاتوری ای بود که سرمایه داری در کشور جهانسومی نظیر ایران مجبور است برقرار کند.

طعنه تاریخ اینجاست که انقلاب ۵۷ که بطور عینی خاصیت قوی کارگری و سوسیالیستی داشت و نوک تیز حمله خود بورژوازی غرب را مجبور کرد که از رژیم شاه دل بکند و قدرت را به اپوزیسیون سنتی شاه، به همین جنبش ملی اسلامی به رهبری جناح راست آن یعنی خمینی و بازگرا (و البته حمایت جناح چپ آن یعنی مجاهدین و فدائیان، توده ای ها و آل احمدیست های ریز و درشت) بسپرد. این فقط غرب (منظور دول غربی) نبود که ملها را از گور بیرون کشید، بلکه این مخالفان "غریزگی" بودند که با جدیت ارتجاع مجسمی مثل خمینی را با حلوی "ضد امپریالیستی" به خورد مردم و بویژه پرولتاریا دادند. برای شکست انقلاب ۵۷ بورژوازی غرب و دولتهایش با اپوزیسیون ضد "غریزگی" ایران متحد شدند تا تمام وصایای همان تفکر و جنبش آل احمدی از ضدیت با زن گرفته تا "قوتی" و "سوسول" خطاب کردن جوانهای طرفدار فرهنگ غربی، در شکل راه انداختن گشت های "مایکل جمع کن" و مقعنه و بختک چادر کردن به سر دخترانی که بسیاری شان در دوره خودش از پارسی ها هم افراطی تر مینی ژوپ می پوشیدند، تا تائین "استقلال میهن" و "مرگ بر آمریکای جهانخوار" توسط همین جمهوری اسلامی و البته در بسته بندی اسلامی و بشکل بسیار شیعی و زشت و ضد بشری آن تا تیغ و اسید و اعدام به اجرا درآمد. (و برای این کار حتی به برخی متحین خود از جمله مجاهدین و بنی صدر و بعد توده ای اکثریتی ها هم رحم نکردند!)

این اتفاقی بود که بطور واقعی رخ داد. حالا نسل جوان ایران که چشمش را به اینترنت و دنیای مدرن و عصر اطلاعات باز کرده است، بطور طبیعی خود را علیه این حکومت آل احمدی، خمینی، اسلامی می بیند. این نسل میخواهد جزئی از تاریخ و تمدن معاصر بشر باشد. آرزوها و امیالش را از شاهنامه و قرب و نهج البلاغه، از انقلاب مشروطه و حزب توده و مصدق، از فدائیسیم و مجاهدین خلق نمی گیرد. بلکه نگاه دنیای پیرامونش میکند و این تشخیص درست را میدهد که تمدن غربی موجود (با همه انتقاداتی که مثلا از موضع مارکس به آن داشته باشیم) صدبار بهتر از فرهنگ آل احمدی و شرقگرایی است. نه فقط تا آگاه نیستند، که اتفاقا جهت درست را تشخیص داده اند. اینجاست که ما این غریزگی (و گاه به طعنه و طنز "غریزگی") جوانان ایران را تشویق می کنیم، چرا که فکر میکنیم از دل این تمایل انسانی و مترقی برای بهتر زندگی کردن و آزاد و مرفه زیستن است که آزادی و برابری میتوانند در بیایند. در واقع آزادی و برابری سوسیالیستی تنها پاسخ درست به این تمایل شریف است. راستش علت اصلی روی آوری جوانان به ما در همینجاست و در قیاس با آنچه که در آینده نزدیک اتفاق خواهد افتاد، هنوز چیزی نیست. از آنسو شرقزدگی و ملی گرایی جهانسومی و ضدیت با امپریالیسم از موضع بورژوازی و خرده بورژوازی ملی - اسلامی وطنی به جای خیلی بهتری از همین جمهوری اسلامی

نمی تواند برسد. (حالا فوئش بشود "جمهوری تمام عیار" کتبی، یا یک جمهوری اسلامی نوع دوم، با پسوند ملی یا دمکراتیک!) دوره جمهوری اسلامی نه فقط بعنوان یک رژیم بلکه بعنوان یک فرهنگ، سنت سیاسی و جهان بینی نیز بسز آمده است!

یک مثال دیگر، که بطور تیبیکالی این انتقاد جهانسومی - خرده بورژوازی از امپریالیسم و سرمایه داری معاصر را منعکس میکند. شما از "فرهنگ مصرف" و مضرات گرفته شدن و معترض به دیکتاتوری ای بود که سرمایه داری در کشور جهانسومی نظیر ایران مجبور است برقرار کند. ببینید که چطور از "مصرف زدگی" جوامع امپریالیستی صحبت میکند. به جمله معروف خمینی دقت کنید که همین تئوری را با زبان خودش بیان میکند: "ما برای خیزه انقلاب نکرديم! ما بر عکس شما از اینکه امکان مصرف مردم در دنیای معاصر روبه گسترش است خودحدا. از اینکه سرمایه داری برای منافع خود، برای حفظ نرخ سود دانما میکوشد به نیازهای جدید مردم پاسخ گوید ناراضی نیستیم. (اگر این نبود همین الان من و شما نمی توانستیم پای کامپیوتر بنشینیم و ننبدید و شناخته باهم گفتگو کنیم). بعنوان یک کمونیست مارکسی - کتبی، یک کمونیست کارگری، نه فقط انتقادی به گسترش فرهنگ مصرف تلارم بلکه به شما اطمینان میدهم که اگر ما قدرت را بدست بگیریم با تکیه به قدرت شگرف تولیدی بشر آترا هزار بار گسترش خواهیم داد. من انتقادی که سرمایه داری دارم از جنس دیگری است. انتقاد ما این است که در سرمایه داری همه چیز گرد سود و بردگی مزدی میچرخد و لنگی مصرف به اندازه کافی وسیع و گسترده نمی شود و همه انسانها از آن برخوردار نمی شوند. من فکر نمی کنم اگر انسانها غرق نعمات مادی کار و تولید خودشان بشوند، "بی آرمان" میشوند و یا آن حالات نامطلوبی که شما اشاره کردید را پیدا میکنند. برعکس تازه فرصت پیدا میکنند که خودشان باشند و دانش و هنر و استعداد و عشق و ابتکارشان به تمام معنی گل کند. آتوق فیلم هایی هم خواهند ساخت که صدبار روی دست هالیوود بلند خواهد شد!

میشود مثالهای بیشتری آورد ولی تا همینجا هم فکر میکنم از حد صفحات محدود نشریه مان خارج شده ام. برایتان آرزوی شادابی دارم. مصطفی صابر ۱۷ مارس ۲۰۰۳

لینک، از صفحه ۴

آخر هفته هایش (یعنی همان دو روز آزادی اش) را هم می فروشد. این تنها یک سر قضیه است. آن سر قضیه آن است که پولی که از همه این کارها به دست می آورد به سرعت باد خرج میشود و هر چند که بر خلاف ایران (که اصلا رابطه درآمد و خرج ناسالم است) آدم میتواند با حقوق کارمندی در این مملکت زندگی نسبتا مرفهی بکند، ولی هیچکس نمیتواند آنطوری که در فیلمها نشان می دهند زندگی بکند. بخصوص اگر بچه هم داشته باشد. راستش به همین دلیل است که من از وقتی که آمدم اینجا (تورنتو، کانادا) هرچه گذشته است کمونیست تر شدم. حالا این که شوخی بود، ولی واقعا تازه دارم معنی ایده ها و سوالها و اعتراض های اصلی سوسیالیستها را می فهمم. چیزهایی که در ایران اصلا حوصله شنیدنشان را نداشتیم. میدانم که خیلی های دیگر هم به همین وضع دچار شده اند و این حقیقتی است که کم و بیش همه پس از مدتی زندگی در کشورهای کاپیتالیستی در می یابند. باز هم در باره زندگی و کار در کانادا خواهیم نوشت.



از علی شمشیرکش تا علی عاشق‌کش

<http://navasan.persianblog.com>

ولنتاین اسلامی

محمد علی زم معاون فرهنگی

۶۵ میلیون کافر غریبه اسیر یکی دو میلیون نوحه خوان
<http://abovethewall.blogspot.com>

خوش به حالت! نمی دونی چقدر دلم می خواد بفهمم چه مزه ای داره به چیزی ایمان داشتن اینجور که تو داری. انقدر که با خیال راحت صنادی نوحه رو بلند کنی و کک خیالتم نگره واسه همسایه بیچاره کافرت که می خواد به دقه مدیتیشن شو بکنه بره کپه مرگش رو بذاره که از یاد بیره چقدر همیشه بین شماها غریبه بوده.

زندگی و کار در کانادا چه مزه ای دارد
 سردبیر خوم <http://i.hoder.com/>

این جنگ در تضعیف جمهوری اسلامی امید بست. این امید به بالا، این به انتظار نشستن که "بعد از عراق نوبت ایران است" اتفاقا به نفع جمهوری اسلامی تمام میشود. باید از هر فرصتی که رژیم اسلامی را تضعیف کند استفاده کرد و فعالتنه به میدان آمد. اما برای این کار لازم نیست از یک جنگ خانمانسوز و ضد بشری دفاع کرد، چه رسد به آن امید بست! میتوان و باید هم علیه جمهوری اسلامی بود و هم علیه جنگ. اینها هر دو باهم همخوانی دارد. اثرات مخرب این جنگ برای مردم ایران وقتی جمهوری اسلامی سرکار است میتواند به مراتب بیشتر باشد. پس باید فوراً جمهوری اسلامی را از سر راه کنار زد. از سوی دیگر به گور سپاردن جمهوری اسلامی و برقراری یک جامعه آزاد، باز، انسانی و برابر، تمام مردم آزادخواه جهان را تقویت خواهد کرد.

۳. از بین قطب های بورژوازی نمی توان متحنی انتخاب کرد. نه آمریکا و نه اروپا و نه هیچ دولت بورژوازی دیگر نمی تواند متحد مردم ایران برای رهایی از شر جمهوری اسلامی و ساختن یک دنیای بهتر باشند. این نیروها به شهادت تمام تاریخ معاصر همواره متحد سرکوبگران مردم بوده اند. (به قدرت رسیدن خمینی و همین جمهوری اسلامی از آخرین نمونه هایش است.) نباید اجازه داد تا میل آتشین و مترقی و انسانی مردم ایران برای فرهنگ و تمدن غربی به جیب بورژواهای وحشی که با یک بم اتم شان به اندازه چندین خمینی و صدک آدم کشتند، برود. متحد مردم ایران مردم آزادخواه جهان غرب و جهان، کارگران زنان و جوانان معترض به این دنیا است. به این نیروی

اجتماعی شعرداری تهران از مسولان خواست تا سومین جمعه محرم هر سال، سالروز ازدواج حضرت علی و فاطمه زهرا را به نام روز عشق و محبت نامگذاری کنند تا جوانان نیازی به گرمی داشتن مدل غربی این روز (ولنتاین) نداشته باشند.

عزاداران مردم آزار

<http://www.alipirouz.com>

به این به ظاهر عزاداران حسینی که عریضه کشان و سینه زنان، خیابان های تنگ و شلوغ تهران رو مسدود میکنند و رفت و آمد ماشین ها رو مختلتر، میشه لقبی غیر از مردم آزار داد؟؟؟

مقالات و اسناد مختلف حزب و بویژه مبنای آن در "طلوع خورشید نظم نوین جهانی" و آثار دیگری از منصور حکمت تشریح شده) باشد. اینجا قصد تکرار آن نیست. بلکه در چهارچوب همین موضوعگیری چند نکته شایسته تاکید است:

۱. سرنوشت مردم در عصر ما دیگر به تمام معنی امری جهانی است. مردم ایران جزئی از دنیای قرن بیست و یکم هستند و باید جهت انسانی که جوامع بشری بسوی آن سیر کند را تشخیص دهند، خود را با آن هماهنگ کنند و جزئی از تلاش جهانی برای شکل دادن به این آینده باشند. جهان آینده جهان نظم نوین و بردگی ملرن سرمایه داری نیست و نباید باشد. باید به صف اعتراض جهانی علیه این نظم نوین و برای تغییر دنیا بنفع بشریت پیوست. مخالفت با این جنگ یکی از شروط جدی چنین ایفای نقشی است.

۲. معضل بلافصل مردم البته جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی در کشته و نابود کردن مردم و به تباهی کشاندن زندگی دست کمی از اینگونه جنگ ها نداشته و ندارد. بی تردید اولین وظیفه مردم ایران برای رهایی خود و بیشترین خدمت آنها به بشریت آزادخواه جهان، رفع شر جمهوری اسلامی است. مردم ایران میتوانند با سرنگون کردن جمهوری اسلامی و برقراری یک جامعه آزاد و برابر، با برقراری حاکمیت مستقیم و بلافصل شوراهای خود، جمهوری سوسیالیستی، پرچمدار قطب آزادیخواهی در جهان باشند. اما برای این کار و اتفاقاً برای این کار نباید به این جنگ به دیده مثبت نگریست. نباید به اثرات احتمالی

دوستش داری پیدا می کنی و نه اصلاً مغز و بدنت توان تحمل آن را دارد. چیزی می خوری و همانجا جلوی تلویزیون از نا می روی. فردایش دوباره همین آش است و همین کاسه. (هوس آش رشنه کردم بهو!) در نتیجه آدمها اینجا تنها دو روز در هفته زندگی می کنند. بقیه اش انگار که اصلاً نیستند. تازه هرچه شرکی که آدم برایش کار می کند کوچکتر و حجم اداری اش کمتر باشد، آدم کمتر می تواند به ساعت کار رسمی محدود بشود و به امید چند غاز حقوق اضافی، نه تنها شهبا دیرتر به خانه می رود، بلکه حتی صفحه ۳

آلترناتیوی است که بورژواهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی در برابر مردم قرار میدهند. این وظیفه حیاتی کمونیسم کارگری است که فعالتنه موضع پرو جنگ را افشاء کند. این وظیفه حیاتی کمونیسم کارگری است که در راس مبارزات کارگران، زنان و جوانان علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی و برابری قرار گیرد و نشان بدهد که برای رهایی از جمهوری اسلامی لازم نیست و نباید در چاله آمریکا - ناسیونالیستها افتاد.

این جنگ شرایط جدیدی در سیاست ایران و فرصت جدیدی برای عروج کمونیسم کارگری بعنوان یک نیروی رهایی بخش در ایران را آغاز میکند. این جنگ همه کمونیستها و کارگران و آزادیخواهان را به مبارزه فعال علیه جمهوری اسلامی و علیه جنگ و آینده سیاهی که جلوی بشریت قرار میدهد، فرا میخواند!

طول موج

رادیو انترناسیونال

برنامه های رادیو انترناسیونال، روی طول موج زمستانی ۴۱ متر برابر با ۷۲۹۰ کیلو هرتز ساعت ۹ شب به وقت تهران پخش میشود

برنامه رادیویی

سازمان جوانان کمونیست

شنبه ها ساعت ۹:۳۰ تا ۹:۴۵

Payamgir radio:

+46 8 659 07 55

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 51 80 26 10

0044 776 110 66 83

0049 171 15 47 661

0046 736 50 80 40

001 416 688 5572

00905552048603

0046 70 48 68 647

0049 174 944 02 01

001- 416 434 15 45

fax:001 416 434 154 5

bahram-modarresi@web.de

دانمارک:

شیوا فرهنگد

انگلستان:

سرور ملانکه

آلمان:

امید چوری

سوئد:

آزاد خدری

کانادا:

مهدی شهابی

ترکیه:

دبیر تشکیلات خارج:

مریم طاهری

دبیر کمیته مرکزی:

بهرام مدرسی

مشاور دبیر:

ثریا شهابی

آدرس پستی:

Jawanan

Postfach 620 515

۱۰۷۹۵ Berlin

Germany

دبیر تشکیلات خارج:

مریم طاهری

دبیر کمیته مرکزی:

بهرام مدرسی

مشاور دبیر:

ثریا شهابی

آدرس پستی:

Jawanan

Postfach 620 515

۱۰۷۹۵ Berlin

Germany

به سازمان جوانان کمونیست پیوندید!

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان
 حزب کمونیست کارگری ایران

مصطفی صابر

mosaber@yahoo.com

Tel: 001 604 730 5566

www.jawanan.org

www.m-hekmat.com

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.medusa2000.com

www.wpiran.org

www.childrenfirstinternational.org

از این سایت ها دیدن کنید: